

از: دکتر حسین آقایی نیا  
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

# دیدگاه حقوقی در مورد حوادث ورزشی

پروژه پژوهشی دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

باید مبتنی بر اهداف ورزش به مفهوم واقعی آن باشد. در غیر این صورت، حرکت آن کند خواهد بود و توقف آن محقق خواهد شد. در همین حال، بهایی که برای استقرار اهداف نامعقول باید پرداخت کنیم، بسیار گران تمام خواهد شد. از این رو، باید از اعمال سیاستهایی که عملاً برای ورزش هدفی جز پر کردن ایام فراغت، اثبات برتریهای عقیدتی، پرستش مدال و عنوان نمی‌شناسد، به شدت پرهیز کرد؛ زیرا چنین بینشهایی نامطلوب است و در درازمدت، مصیبت‌بار خواهد بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهمترین سند حقوقی کشور است. به عبارت دیگر، سرچشمه همه صلاحیتهاست؛ جایگاه اساسی‌ترین و مهمترین نهادهای کشور است؛ ترسیم‌کننده خطوط استراتژیک سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است؛ اهداف نظام را روشن می‌کند؛ و علاوه بر این که بر ایمان به توحید، وحی الهی، امامت، عدل و معاد تصریح دارد، ایمان به انسانی آزاد، کریم و مسئول در برابر خدا را در ردیف اهداف جای داد. و برای دستیابی به آن، دولت را موظف نموده است تا تمامی امکانات خود را به روشهای خاصی به کار گیرد. تربیت بدنی یکی از این روشها و مستقل از آموزش و پرورش است. نتایج حاصل از چنین بینشی موارد زیر است:

اولاً: ورزش و تربیت بدنی از مهمترین اصول بنیادین کشور است؛

ثانیاً: ورزش وسیله است.

ثالثاً: ورزش یک نهاد فرهنگی است.

رابعاً: هدف از به کارگیری این نهاد، باید چیزی جز تحقق کرامت ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا نیست و با استفاده از

## اهداف ورزش از دیدگاه حقوق

بتدریج که ریشه‌های باور جامعه در مورد ورزش - به عنوان یک نهاد فرهنگی - تقویت می‌شود و نقش تعیین‌کننده آن در تعالی و توسعه به منصه ظهور می‌رسد، حرکت عظیم توده‌های انسانی به سوی آن محسوس می‌شود؛ البته این خیزش بزرگ، به خودی خود به وجود می‌آید و نه بدون رهبری و هدایت صحیح به مقصد می‌رسد.

به خودی خود شکل نمی‌گیرد، زیرا ماهیت فرهنگی دارد و لازمه درک آن نیز توانایی فرهنگی است. آن گاه که شکل گرفت، باز به هدایت فرهنگی نیاز دارد و لذا دل خوش داشتن به کمیتهایی مانند ارقام شرکت‌کنندگان، یا کثرت امکانات لازم، کافی نیست. اتخاذ سیاست هدایتی

ضرب، جرح، نقص عضو، فلج، مرگ و غیره است، بیشتر در نتیجه ارتکاب اعمال خطا محقق می‌شود؛ ولی در بسیاری از موارد نیز حوادث بدون هیچ خطایی پیش می‌آیند. گاهی حوادث برای ورزشکاران در خارج از زمینهای ورزشی اتفاق می‌افتند و موجب ضایعات دلخراشی می‌شود؛ مانند تصادف با وسایل نقلیه که گاه منجر به کشته شدن گروهی می‌شود.

۲ - بخشی از حوادث ورزشی نیز معلول اهمال و قصور مدیریتهای فنی مانند سرمربیان، مربیان،

**اگر ورزش را عبارت از مجموعه حرکات هدفدار بدانیم، حتی به رغم رعایت همه اصول و مقررات باز هم حوادث در کمین هستند؛ چنان که از وقوع حوادثی مانند شکستگی، نقص عضو، فلج یا مرگ ورزشکاران و غیره با خبر می‌شویم.**

کمک‌مربیان، معلمان ورزش و امثال آنهاست. علل و اسبابی که صدمات وارده را منتسب به این گروه می‌کند، عبارتند از: فقدان آگاهیهای فنی، عدم صلاحیت اخلاقی، عدم توانایی در آموزش مهارتها، عدم توجه به سلامت ورزشکار، اهمال در سازمان‌دهی رقابتهای، بی‌توجهی به ضرورت تجانس فعالیت‌های ورزشی، بی‌مبالاتی در اعمال رقابتهای متعادل، عجز از شناخت تواناییهای ورزشکار در ارجاع حرکت، تعلل در کمکهای اولیه و دخالت در امر پزشکی، بی‌توجهی به شرایط جوی نامساعد، ترک محل خدمت، سستی در

علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها تامین می‌گردد. به عبارت دیگر، هدف از ورزش - از دیدگاه قانون اساسی - برومندی است و نه تنومندی. بدیهی است که برومندی مفهومی جز نشاط، سلامتی و توانمندی ندارد.

## ● حوادث ورزشی

اکنون به میدان عمل یا می‌نهیم و از نزدیک ورزش را به استناد ارقام و آمار رسمی بررسی می‌کنیم. در آغاز سال تحصیلی جدید بیش از ۱۹ میلیون نفر دانش‌آموز، با حداقل ۶ تا ۱۸ ساله راهی مدارس شدند. صدها هزار دانشجو نیز فعالیت خود را آغاز کردند.

به حکایت آمار، بیش از ۵۰٪ جمعیت کل کشور زیر ۳۰ سال دارند و می‌دانیم که درصد عظیمی از مجموع افراد مذکور به نحو صحیح یا غلط، با برنامه یا بدون برنامه، هر روز به ورزش می‌پردازند. به این تعداد باید سایر ورزشکاران، میانسالان و بزرگسالانی را که به طور مرتب به فعالیت ورزشی می‌پردازند، اضافه کنیم. به نظر می‌رسد حداقل ۳۰ میلیون نفر از جمعیت ما به نحوی با ورزش مانوس هستند.

اگر ورزش را عبارت از مجموعه حرکات هدفدار بدانیم، حتی به رغم رعایت همه اصول و مقررات باز هم حوادث در کمین هستند؛ چنانکه از وقوع حوادثی مانند شکستگی، نقص عضو، فلج یا مرگ ورزشکاران و غیره با خبر می‌شویم.

حوادث ورزشی را می‌توان به گروههای زیر تقسیم نمود:

۱ - ورزشکاران چه از جهت ایجاد صدمات و چه از نظر پذیرش آن، در صدر بررسیهای آماری قرار دارند. حوادث ناشی از عملیات ورزشی که شامل

بازدید اسباب و لوازم، قصور در حفاظت از ورزشکار در جریان فعالیتهای و موارد متعدد دیگر. این بخش از صدمات که علت آنها بیشتر قصور مدیریتهای فنی است بیش از سایر موارد با امور ورزشی دست به گریبان است و ضرورت توجه و آموزش آنان بیشتر احساس می‌شود.

۳ - رؤسا و سرپرستان اماکن ورزشی اعم از زمینها، سالنهای باز و سرپوشیده، مجتمعهای ورزشی، ورزشگاهها و مانند آنها از نظر حقوقی وظایف خاص خود را دارند که چنانچه در انجام آن سازمانهای مسئول ورزش کشور و به عبارت بهتر، مدیران آنها به رغم همه تعهد و تلاشی که در پیشبرد وظیفه خود اعمال می‌کنند، در زمینه حوادث ورزشی چندان اطلاعی، حتی از وضعیت واحدهای خود ندارند.

قصور کنند، مسئول هستند. اهم وظایف آنان عبارتند از: داشتن صلاحیت اخلاقی و فنی برای تصدی مجموعه‌ای که روزانه صدها نفر و بویژه نوجوانان و جوانان در آن به فعالیت می‌پردازند. بررسی صلاحیتهای اخلاقی و فنی کارکنان ورزشگاه مربیان، کمک‌مربیان و به طور کلی هر کسی که به نحوی در اداره امور مداخله دارد، بازدید مستمر از تجهیزات، اماکن، وسایل، جایگاهها و سایر تأسیسات ورزشگاه و اطمینان از سلامت آنها، تدارک وسایل لازم برای اعمال کمکهای اولیه به مصدومین، نظارت بر فعالیتهای ورزشی

تحت سرپرستی مربی، نظارت بر تردهای مشکوک اشخاص لایالی و اوباش که بالقوه برای ورزشکاران، نوجوان و جوان مخاطره‌آمیز است، توجه به ظرفیت ورزشگاه در ارتباط با تعداد تماشاگران، پیش‌بینی امکان درگیریهای خشونت‌آمیز در مسابقات و اتخاذ تدابیر انتظامی و امنیتی به طرق قانونی و... متأسفانه بعضی مدیریتهای ما چندان با این وظایف آشنا نیستند.

۴ - تماشاگران بازیها و مسابقات در عین حالی که سرمایه‌های قدرتمندی برای ورزش به حساب می‌آیند، اما اگر به نحو صحیح هدایت نشوند، همچون انبار باروتی هستند که موج ناشی از انفجار آنها، منحصر به صدمات بدنی و مالی در ورزشگاه نخواهد شد.

معدل پایین سنی آنان، احساساتی بودن و تحریک پذیری فوق‌العاده، فرهنگ خاص حاکم بر آنها بر حسب نوع ورزش، احساس افزایش قدرت در اثر ورود فرد در جمعیت انبوه، زمینه مناسب ورزشگاه برای تجلی احساسات و بروز ناهنجاریهای روانی و اجتماعی و دیگر عوامل، ورزشگاه را محیط مساعدی برای اقدامات نابخردانه و گاه هدایت شده آنها می‌سازد. طوفان ناشی از طغیان آنان منجر به تحریک، توهین، ضرب و جرح، قتل، ایجاد حریق، غارت و اغتشاش نه فقط در ورزشگاه، بلکه خارج از آن می‌شود. تبعات سوء چنین حرکاتی بر همگان روشن است. این خطر بالقوه در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد و در موارد متعددی هم از قوه به فعل درآمده است. ما نیز همواره با این پدیده در شکلها و ابعاد مختلف مواجه بوده‌ایم.

۵ - علاوه بر گروه‌های مذکور، اشخاص دیگری نیز در امر ورزش به شکل‌های دیگری مداخله می‌کنند که بی‌احتیاطی‌های آنان موجب صدمات و خسارات جانی و مالی می‌شود. داوران، پزشکان تیمها، کارکنان ورزشگاهها، مسئولین تأسیسات و نیروهای انتظامی از این قبیل‌اند.

## ● آگاهی‌های ما از حوادث ورزشی و پیامدهای حقوقی آنها

سازمانهای مسئول ورزش کشور و به عبارت بهتر، مدیران آنها به رغم همهٔ تعهد و تلاشی که در پیشبرد وظیفهٔ خود اعمال می‌کنند، در زمینهٔ حوادث ورزشی چندان اطلاعی، حتی از وضعیت واحدهای خود ندارند. اصولاً تفکر غالب در ورزش آن است که وقوع حوادث در ورزش به هر شکلی که باشد، طبیعی است و ضمانت اجرای تخلقات خود را در چارچوب تصمیمات اداری و انضباطی رؤسای بالاتر یا کمیته‌های قضایی خودساخته جستجو می‌کنند که نهایتاً چیزی جز توییح، جریمهٔ نقدی، محرومیت از همراهی تیم و امثال آنها نیست.

البته بعضی از سازمانها مانند اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، انصافاً طی سالهای اخیر در تعمیم و تعمیق آگاهی‌های حقوقی مسئولین ورزش خود گامهای بلندی برداشته است؛ اما آنچه موضوع این بحث است، اقداماتی فراگیرتر و سازمان یافته‌تر را در نظر دارد.

اگر امروز از سازمان تربیت بدنی، وزارت آموزش و پرورش، نیروهای مسلح، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سایرین سؤال شود که:

- تعداد کل مصدومین و مجروحین شما در مسابقات و تمرینات چند نفر هستند؟

- این تعداد چند درصد کل افرادی است که به فعالیت‌های ورزشی مشغول هستند؟

- چند درصد آنان پسر یا مرد و دختر یا زن هستند؟

- صدمات وارده به آنها در نهایت به چه نتیجه‌ای منجر شده است؟

- علل وقوع صدمات را چگونه دسته‌بندی و تحلیل کرده‌اید؟

- چند درصد از صدمات، تکراری و ناشی از علت واحدی بوده است؟

- چه اقداماتی در رفع علل وقوع حوادث اعمال کرده‌اید؟

---

طوفان ناشی از طغیان تماشاگران  
منجر به تحریک، توهین، ضرب و  
جرح، قتل، ایجاد حریق، غارت و  
اغتشاش در ورزشگاه و خارج از آن  
می‌شود.

---

- چه مقایسهٔ آماری در هر سال در زمینهٔ صدمات انجام گرفته است؟

- معضلات حقوقی ناشی از صدمات به چه سراتجامی رسیده است؟

چه پاسخی خواهند داد؟ آیا از سر موضوعگیری به جدل خواهند پرداخت؟ و یا به مقتضای مبانی اعتقادی خود و از سر عقل، نارساییها را خواهند پذیرفت؟

یقین دارم قسمت اخیر که پذیرش نارسایی است، مورد قبول قرار خواهد گرفت و این عین شهامت و توفیق است؛ زیرا هدف طرح همهٔ سوالات چیزی جز تأمین سلامتی جسم و روان حیثیت ورزشکاران، حفاظت از حقوق و امنیت شغلی و اجتماعی و خانوادگی مدیران ورزش، و ایجاد زمینه‌های مساعد برای جذب هزاران نفر به ورزشگاهها نیست. همه این موارد نیز به نوبهٔ خود در رابطه با تأمین برومندی نسل است تا به نفع آن نسل سالم، توانمند و شجاع داشته باشیم. طرح و بررسی تفصیلی آنچه گذشت، بخشی از بحث حقوق ورزشی است که باید از ضروریات آموزشی جامعه ورزش کشور باشد.

## ● اثرات عدم آگاهی از مسئولیتهای قانونی

اصولاً وقوع حادثه به معنای تجاوز به حقوقی است که قانون اساسی برای احاد ملت مقرر داشته و به موجب آن، حیثیت، جان، سلامتی، شغل، مال، مسکن... اشخاص از تعرض مصون شناخته شده است. قوانین عادی نیز به تبعیت از قانون اساسی، متناسب با شدت و ضعف تجاوز به حقوق مردم، ضمانتهای اجرایی تعیین کرده است که عبارتند از: جزای نقدی، تبعید، محرومیت از حقوق اجتماعی، حبس، اعدام و غیره. در بعضی موارد نیز که تجاوز صرفاً جنبه مالی داشته باشد، ضمانت اجرای آن الزام به جبران خسارت خواهد بود.

اما آیا می‌توان اشخاص را بدون اینکه از ماهیت حقوقی عمل خلاف خود آگاه باشند و یا از مجازاتهای مقرر مطلع باشند، مجازات نمود؟

عدالت، اخلاق و عقل حکم می‌کند که مجازات چنین اشخاصی مجاز نیست و قاعدهٔ قبح عقاب بلابیان نیز مؤید آن است؛ اما حقوق، اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند؛ زیرا وضع قانون بنا منافع جامعه سر و کار دارد و هدف آن در مرتبهٔ اول تأمین نظم عمومی است؛ لذا چون پذیرش عذر جهل به قانون با این هدف در تعارض است و همه می‌توانند عدم اطلاع خود را از قوانین اثبات نمایند و در آن صورت نظم جامعه مختل خواهد شد، این اصل که جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، به طور اصولی پذیرفته شده است.

بنابراین، ورزشکار خطاکار، مربی مقصر، مدیر سهل‌انگار، پزشک بی‌توجه، داور بی‌مبالات و تماشاگر شرور به رغم فقدان آگاهیهای حقوقی در قبال اعمال خلاف قانون خود مسئول خواهند بود و لذا اگر سازمانهای ورزشی بخواهند ورزشکاران، مدیران و سایر مسئولین خود را از گزند مجازاتهای خشن، خردکننده و گاه غیرقابل جبران در امان نگهدارند، چاره‌ای جز تعمیم و تعمیق آگاهی حقوقی ورزشی پیش‌رو نخواهند داشت.

## نتیجه‌گیری

اگر تربیت انسانی والا، کریم، آزاد و مسئول در برابر خدا هدف غایی است؛  
اگر تعالی و توسعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی دنیوی ماست؛

## آیا می‌توان اشخاص را بدون اینکه از ماهیت حقوقی عمل خلاف خود آگاه باشند و یا از مجازاتهای مقرر مطلع باشند، مجازات نمود؟

حال اگر می‌خواهیم اهل شریف در اضطراب ناشی از حوادث احتمالی و نگرش به پرتگاه زمان متزلزل و مأیوس نشوند، باید تدابیر پیشگیرانه اندیشید و این تدابیر همان آموزشهای حقوقی ورزشی است؛ یعنی این شعار عقلانی که: «ایمنی مقدم بر کار است». با توجه به اینکه در این جا ایمنی منحصر به تمامیت جسمانی نیست، بلکه به روان، حیثیت، آزادی، مال و سایر حقوق انسانی نیز مربوط می‌شود، بدون تردید میزان توجه به چنین آموزشهایی نمایانگر میزان اهمیتی است که برای ارزشهای حیاتی فرزندان خود قائل هستیم. اکنون این سؤال مطرح است که: «آیا اهمیت دادن به چنین ارزشهایی خود مستلزم اهلیت نیست؟»

پاسخ این سؤال قاطعانه مثبت است. لذا رابطه مستقیم آنها و توجه به آنچه واقعیت عینی دارد، محک مناسبی برای ارزیابی اهلیت مدعیان است.

اگر مقدمه واجب اهداف مذکور نیروی انسانی سلامت، بانشاط، توانمندی و برومندی است؛

اگر ورزش مهمترین وسیله تحقق این موارد و تنها عامل استمرار آنها در زمان است؛

اگر رابطه مستقیم توسعه و تعالی با ورزش به مفهوم واقعی آن در زندگی بشری به اثبات رسیده است؛

پس، ورزش را باید فراتر از علاقه باور کنیم و به نقش حیاتی آن در برومندی نسل ایمان یابیم.

اگر ورزش یک نهاد فرهنگی نیز هست؛

اگر لازمه ایمان به آن اهلیت است؛

اگر آن اهلیت جز با علم و عمل مستمر حاصل نمی‌شود؛

و اگر رشد، تعالی و به بارنشستن آن جز با متولیان اهل میسر نیست؛

پس، نخستین گام، حفاظت از تمامیت جسمانی، روانی، حیثیتی و سایر حقوق اهل آن است.

ورزشکار خطا کار، مربی مقصر، مدیر سهل انگار، پزشک بی توجه، داور بی مبالا و تماشاگر شرور به رغم فقدان آگاهیهای حقوقی در قبال اعمال خلاف قانون خود مسئول خواهند بود.